


Higher Education and the Labor Market: Examining the Curriculum Compliance with the Required Education of Jobs by Mediation of Entrepreneurial Competency

Mohammad Hassani* 

* Corresponding Author: Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran. Email: m.Hassani@urmia.ac.ir

Abstract

Objectives: As one of the two main levers of education, the higher education system is responsible for training a large part of skilled and efficient human resources required by the labor market at different levels and disciplines and one of the important components for judging the internal and external efficiency of higher education systems is the quality of human resources training in harmony with the needs and changes of the labor market. Failure to pay attention to this issue will lead to the training of graduates whose knowledge and skills are not proportional to the needs and requirements of jobs, and the ever-increasing number of educated unemployed indicates that the training provided in the university does not match the real needs of the labor market. On the other hand, higher education institutions train students by focusing on disciplinary, academic, and technical skills, while most of them lack soft skills in addition to these specialized competencies. These competencies and skills are related to all disciplines and required in all modern jobs and career paths, and the development of entrepreneurial skills and competencies is of particular importance; because higher levels of entrepreneurial skills reduce the likelihood of over-education for university graduates and help people get better jobs, even if they are looking for salaried jobs rather than self-employment; therefore, the purpose of this study was to investigate the effect of educational program quality on the mismatch of education required by jobs concerning the mediating role of entrepreneurial competencies in the graduates.

Materials and Methods: In terms of the purpose of this research, it was an applied research type and in terms of the method of data collection and analysis, it was a survey-descriptive research based on structural equation modeling. The statistical population of the research consisted of all undergraduate students of Urmia University from 2016 to 2021 in the number of 9335 people who were currently employed. Based on Cochran's formula, 411 people were selected as samples by random sampling method. To collect data, used standard questionnaires of horizontal and vertical mismatch by Chavadi et al. (2022), curriculum quality by Mohammad Shafi et al. (2020), and entrepreneurial competence by Janso Solu et al. (2022). The face and content validity of the questionnaires were checked and confirmed based on the opinion of experts, and to check the construct validity of the research tools, confirmatory factor analysis was used by Lisrel software, and the reliability of the tools was also calculated and confirmed. Lisrel software was used to analyze the data obtained from the questionnaires and to model the structural equations.

Hassani, M. (2024). Higher Education and the Labor Market: Examining the Curriculum Compliance with the Required Education of Jobs by Mediation of Entrepreneurial Competency. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 17(1), 131-154. doi: [10.48308/mpes.2024.233944.1398](https://doi.org/10.48308/mpes.2024.233944.1398)





Discussion and Conclusion: The results of the research indicated that the quality of the curriculum had a significant and negative effect on education-job mismatch ($t=-4.28$, $P<0.01$) and had a direct effect on the entrepreneurial competence ($t=3.36$, $P<0.01$) and there was a negative and significant relationship between entrepreneurial competence and education-job mismatch ($t=-5.53$, $P<0.01$); Entrepreneurial competence had a mediating role in the relationship between curriculum quality and education-job mismatch ($\beta = 0.06$, $P < 0.01$). According to the obtained results, universities and institutions of higher education in addition to scientific, cultural, and social functions, should pay attention to the business expectations of society and train their students with curricula that match the needs of the labor market, because this suitability improves the employability of university graduates and partially compensates the country's employment and production problem by relying on expert, entrepreneurial, skilled and competent human resources. On the other hand, paying attention to developing a curriculum based on entrepreneurial competencies and preparing parallel entrepreneurial and competency-enhancing courses can facilitate their placement in jobs related to their academic field by expanding the soft skills of graduates, in addition to providing specialized skills.

Keywords: Education-job Mismatch, Curriculum Quality, Entrepreneurial Competence, Labor Market.





مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی

مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی

بهار و تابستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۱ (پیاپی ۳۲)

صفحات: ۱۳۱-۱۵۴

DOI: [10.48308/mpes.2024.233944.1398](https://doi.org/10.48308/mpes.2024.233944.1398)

ISSN: 2423-5261

E-ISSN: 2538-6344

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸ بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸ چاپ مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

آموزش عالی و بازار کار: بررسی تطابق برنامه درسی با تحصیلات مورد نیاز مشاغل با میانجی‌گری شایستگی کارآفرینانه

محمد حسینی *

* نویسنده مسئول: استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

m.Hassani@urmia.ac.ir

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

چکیده

هدف: نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از دو اهرم اصلی تعلیم و تربیت، مسئولیت تربیت بخش عظیمی از نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز بازار کار را در سطوح و رشته‌های مختلف برعهده دارد و یکی از مؤلفه‌های مهم برای قضاوت درباره کارآیی داخلی و خارجی نظام‌های آموزش عالی، کیفیت آموزش نیروی انسانی در هماهنگی با نیازها و تغییرات بازار کار است. عدم توجه به این امر، منجر به تربیت دانش‌آموختگانی خواهد شد که بین دانش و مهارت‌های آنان با نیازها و الزامات مشاغل تناسبی وجود ندارد و افزایش روزافزون شمار بیکاران تحصیل کرده حاکی از عدم تطابق آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه با نیازهای واقعی بازار کار است. از طرفی مؤسسات آموزش عالی دانشجویان را با تمرکز بر مهارت‌های انضباطی، آکادمیک و فنی آموزش می‌دهند، در حالی که اغلب آن‌ها در کنار این شایستگی‌های تخصصی، فاقد مهارت‌های نرم هستند. این شایستگی‌ها و مهارت‌ها از موضوعات مرتبط با کلیه رشته‌ها و مورد نیاز در تمام مشاغل مدرن و مسیرهای حرفه‌ای شغلی هستند و توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا سطوح بالاتر مهارت‌های کارآفرینی، احتمال تحصیل بیش از حد، برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را کاهش می‌دهد و به افراد کمک می‌کند تا مشاغل بهتری به دست آورند، حتی اگر به جای مشاغل خوداشتغالی به دنبال شغلی با دریافت حقوق باشند؛ از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی میزان تأثیر کیفیت برنامه درسی بر عدم تطابق تحصیلات مورد نیاز مشاغل، با توجه به نقش میانجی شایستگی کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان شاغل بود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، پژوهشی پیمایشی-توصیفی مبتنی بر مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۴۰۰ به تعداد ۹۳۳۵ نفر تشکیل دادند که در حال حاضر اشتغال به کار داشتند. با استناد به فرمول کوکران ۴۱۱ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد عدم تطابق افقی و عمودی چوادای و همکاران (۲۰۲۲)، کیفیت برنامه درسی محمدشفیع و همکاران (۱۳۹۹) و شایستگی کارآفرینانه جانسو سولو و همکاران (۲۰۲۲) استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها براساس نظر خبرگان، بررسی و تأیید شد و به‌منظور بررسی روایی سازه ابزارهای پژوهش، از تحلیل عاملی تأییدی به وسیله نرم‌افزار لیزرل استفاده شد و پایایی ابزارها نیز محاسبه و مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها و مدلسازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار لیزرل استفاده شد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از این بود که کیفیت برنامه درسی تأثیر معنادار و منفی بر عدم تطابق تحصیل-شغل ($P < ۰/۰۱$) و تأثیری مستقیم بر شایستگی کارآفرینی داشته ($P < ۰/۰۱$) و $t = ۳۶/۳$ ($P < ۰/۰۰۱$)

حسینی، محمد، (۱۴۰۳). آموزش عالی و بازار کار: بررسی تطابق برنامه درسی با تحصیلات مورد نیاز مشاغل با میانجی‌گری شایستگی کارآفرینانه. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۷(۱)، ۱۳۱-۱۵۴. doi: [10.48308/mpes.2024.233944.1398](https://doi.org/10.48308/mpes.2024.233944.1398)



Copyright: © 2024 by the authors. This work is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



بین شایستگی کارآفرینی با عدم تطابق تحصیل-شغل نیز رابطه‌ای منفی و معنادار برقرار بود ($t, 0.1/0 < P < 0.05/5$)؛ شایستگی کارآفرینانه در رابطه بین کیفیت برنامه درسی با عدم تطابق تحصیل-شغل نقشی میانجی داشت ($\beta, 0.1/0 - P < 0.06/0 =$). با توجه به نتایج بدست آمده، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باید علاوه بر کارکردهای علمی، فرهنگی و اجتماعی، به انتظارات تجاری جامعه توجه نمایند و دانشجویان خود را با برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای بازار کار بیوراندند، چرا که این تناسب باعث بهبود قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شده و تا حدودی معضل اشتغال و تولید کشور را با تکیه بر نیروی انسانی متخصص، کارآفرین، ماهر و شایسته جبران می‌نماید. از طرفی توجه به تدوین برنامه درسی مبتنی بر شایستگی‌های کارآفرینانه و تدارک دوره‌های موازی کارآفرین‌پرور و شایستگی گستر قادر است در کنار ارائه مهارت‌های تخصصی، با گسترش مهارت‌های نرم دانش‌آموختگان، جایابی آن‌ها را در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی دانشگاهی‌شان تسهیل نماید.

واژه‌های کلیدی: عدم تطابق تحصیل-شغل، کیفیت برنامه درسی، شایستگی کارآفرینانه، بازار کار.

مقدمه

تغییرات سریع بازار کار در سال‌های اخیر، تقاضای ارائه برنامه‌های آموزشی مرتبط با زندگی واقعی فراگیران و همسو با نیازهای بازار کار از جانب کارفرمایان و سیاست‌گذاران نظام‌های آموزشی را افزایش داده است (چان و لین^۱، ۲۰۱۵). تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بازار کار با کمیت و کیفیت مطلوب، از کارکردهای اساسی و مهم دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌باشد و یکی از مؤلفه‌های مهم برای قضاوت درباره کارآیی داخلی و خارجی نظام‌های آموزش عالی، کیفیت آموزش نیروی انسانی در هماهنگی با نیازها و تغییرات بازار کار است (ابونوری، زارع‌زاده، ۱۳۹۳). عدم توجه به این امر، منجر به تربیت دانش‌آموختگانی خواهد شد که بین دانش و مهارت‌های آنان با نیازها و الزامات مشاغل تناسبی وجود ندارد (هنمن و لیفندر^۲، ۲۰۱۰). در این میان، شواهد حاکی از عدم تطابق آموزش‌های ارائه‌شده در دانشگاه با نیازهای واقعی بازار کار است؛ که یکی از نتایج این عدم تطابق، افزایش روزافزون شمار بیکاران تحصیل‌کرده در مقاطع بالای تحصیلی است (درتومی، سلیمی‌فر و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۶). شغل بسیاری از افراد شاغل، یا اصلاً ارتباطی با رشته تحصیلی دانشگاهی‌شان ندارد و یا این ارتباط بسیار محدود است که همگی حاکی از عدم تطابق تحصیل-شغل است (شکوری و بهادری، ۱۳۹۸). اشتغال در شغلی غیرمرتبط با رشته تحصیلی تخصصی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌تواند نامطلوب تلقی شود؛ به‌ویژه در صورتی که فرد امکان بهره‌مندی کامل از دانش و مهارت‌هایی را که از طریق آموزش رسمی کسب کرده است، نداشته باشند. از همین رو و با توجه به نظریه سرمایه انسانی، زبان‌های اقتصادی بالقوه مرتبط با استفاده ناکافی از مهارت‌ها باعث می‌شود تا پدیده‌ی عدم تطابق افقی تحصیل-شغل به یک پدیده نامطلوب تبدیل شود (سامرز، کابوس، گروت و ون‌دن‌برینک^۳، ۲۰۱۹).

عدم تطابق تحصیل-شغل^۴ به صورت انواع گوناگونی از شکاف یا عدم تعادل در مهارت‌ها و دانش یا ویژگی‌هایی که ماهیت کمی یا کیفی دارند، نمایان می‌شود و از منظر آموزش، عدم تطابق زمانی رخ می‌دهد که فردی برای انجام یک شغل، بیش از حد نیاز یا کمتر از آن آموزش دیده باشد (پیتان و آددجی^۵، ۲۰۱۲). به وضعیتی که در آن سطح مدرک تحصیلی فرد با سطح مدرک مورد نیاز برای شغل او مطابقت ندارد، عدم تطابق عمودی گفته می‌شود. آموزش بیش از حد (تحصیلات فرانیاز^۶) به‌عنوان یکی از وجوه این عدم تطابق عمودی، زمانی به وجود می‌آید که فرد در شغلی به کار گرفته شود که مستلزم مدرک تحصیلی پایین‌تری نسبت به شغلی است که دارد و کم‌تحصیلی (تحصیلات فرونیاز^۷) نیز زمانی مطرح می‌شود که فرد دارای مدرک تحصیلی کمتر از سطح مورد نیاز برای شغل خود باشد. در عین حال، زمانی حالت عدم تطابق افقی رخ می‌دهد که نوع شغل مشخص شده فرد برای او مناسب نباشد (پارک^۸، ۲۰۱۸). عدم تطابق افقی و عمودی هر دو می‌تواند منجر به بروز جریمه دستمزد بالا برای شاغلین شود (ماهوتائو^۹ و همکاران، ۲۰۱۵)؛ اما عدم تطابق افقی نسبت به عدم تطابق عمودی، تأثیر بیشتری بر حقوق فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و رضایت شغلی آنان دارد و به همان اندازه ممکن است منجر به هدر رفتن قابل

-
1. Chan & Lin
 2. Hennemann & Liefner
 3. Somers, Cabus, Groot & van den Brink
 4. Education-Job mismatch
 5. Pitan & Adedeji
 6. Over-Education
 7. Under-education
 8. Park
 9. Mahuteau

توجه سرمایه انسانی انباشته شود (راداکو، فیگرددو، تیکزیرا و راشین^۱، ۲۰۱۹). عدم تطابق افقی هم‌چنین احتمال تجربه پشیمانی فرد از تحصیل در رشته‌ای خاص را افزایش می‌دهد که با هزینه‌های قابل توجهی همراه است (کوکل و ویلاتابوفی^۲، ۲۰۱۹). از این منظر، این شکل از عدم تطابق ممکن است نشان دهد که فرآیند شکل‌گیری مهارت‌ها و تخصیص این مهارت‌ها در بازار چندان مطلوب نبوده است (سامرز و همکاران، ۲۰۱۹). شایان توجه است که در دهه گذشته، به‌طور کلی نیروی کار تحصیل‌کرده‌تر شده است و نسبت شاغلین دارای مدارک دانشگاهی افزایش یافته و باعث بروز نوعی از عدم تطابق کلی در سطوح مهارت مورد نیاز مشاغل با بالاترین مدارک تحصیلی شاغلین گردیده است که نشان می‌دهد تعداد زیادی از شاغلین دارای سطوحی از مدارک تحصیلی هستند که بیشتر از الزامات مهارتی مورد نیاز برای شغل‌شان است (اودویر و وایت^۳، ۲۰۱۹). کارمندی که در شرایط عدم تطابق تحصیل-شغل قرار می‌گیرد، شایستگی کمتر، صلاحیت پایین‌تر و موفقیت محدودتری را در ارتباط با مشارکت کاری و سازمانی از خود نشان می‌دهد (واردانی، سکارینی، سپاوترا^۴ و همکاران، ۲۰۲۱) و ارتباط ضعیفی بین نقش و ارزش سازمانی خود داشته و انگیزه کمتری برای انجام وظایف خود دارد (برایت^۵، ۲۰۰۸؛ پری^۶ و همکاران، ۲۰۱۰؛ استاین^۷، ۲۰۰۸؛ وارن^۸، ۲۰۰۳؛ رایت و پاندی^۹، ۲۰۰۸). این چالش مهم و اساسی ناشی از عدم همسویی برنامه درسی در پرکردن شکاف بین مهارت‌های به دست آمده در دانشگاه‌ها و مهارت‌های لازم در بازار کار می‌باشد (زیمر و کیپر^{۱۰}، ۲۰۲۱) و تحقیقات بسیاری به ناهماهنگی آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌های مختلف با توسعه این مهارت‌ها اشاره داشته‌اند (ایگو، لاک و روگارا^{۱۱}، ۲۰۲۲؛ تانجا و بالا^{۱۲}، ۲۰۲۳) و حاکی از تأثیر آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه با عدم تطابق تحصیل-شغل در فارغ‌التحصیلان بوده‌اند (به‌عنوان مثال، کونوا و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۰؛ پومپی و سلزنوا^{۱۴}، ۲۰۲۱).

برنامه درسی^{۱۵} به‌عنوان قلب نظام آموزشی، شامل طیف وسیعی از فرصت‌های یادگیری است که توسط مؤسسات آموزشی و در قالب یک دوره برنامه‌ریزی شده به فراگیران ارائه می‌شود و به‌صورت رسمی مورد سنجش و ارزشیابی قرار می‌گیرد (گاسپر و ایفنتلر^{۱۶}، ۲۰۱۴) و ابزاری برای تحقق اهداف آموزش عالی است (ریبولو و ایورزیبادل^{۱۷}، ۲۰۰۴). عناصر برنامه درسی باید با توجه به اهداف مهارت‌محوری و اشتغال‌زایی تدوین و جهت‌گیری جدی‌تری درجهت ایجاد شایستگی‌های لازم در زمینه‌های عمومی و تخصصی دانشجویان داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای دنیای کار باشند (محمد شفیع و همکاران،

1. Rudakov, Figueiredo, Teixeira & Roshchin
2. Kucel & Vilalta-Buñi
3. O'Dwyer, & White
4. Wardani, Sekarini & Syaputra
5. Bright
6. Perry
7. Steijn
8. Warren
9. Wright & Pandey
10. Zimmer & Keiper
11. Igwe, Lock & Rugara
12. Taneja & Bala
13. Kohnová
14. Pompei & Selezneva
15. Curriculum
16. Gosper & Ifenthaler
17. Rebollo & Ivars Baidal

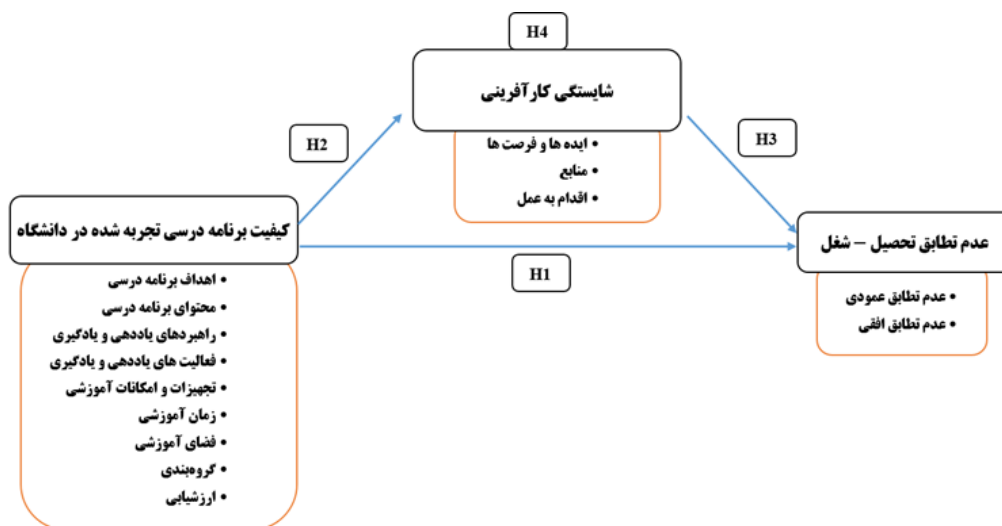
۱۳۹۹). هدف از ارزیابی کیفیت برنامه درسی نیز شناسایی میزان تناسب عناصر برنامه درسی با اهداف و وظایف مؤسسات آموزشی و میزان پاسخگویی این برنامه به نیازهای در حال تغییر جامعه و بازار کار است (ترک‌زاده، مرزوقی، محمدی و همکاران، ۱۳۹۵). در جوامع توسعه یافته، آموزش عالی در مقطع کارشناسی به سمت مهارتی شدن حرکت کرده است و در کشور ما نیز، به‌عنوان پایه‌ای برای تحصیلات تکمیلی، لازم است که نظام آموزش عالی به‌ویژه در دوره‌های کارشناسی و خصوصاً در برخی رشته‌های تخصصی به سمت مهارت‌محوری و پاسخگویی به نیازهای بازار کار حرکت کند و از همین‌رو مسئله کیفیت در تجربه دوره کارشناسی به‌ویژه در برخی رشته‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عابدینی بلتریک و کمالی اردکانی، ۱۴۰۰). اما تحقیقات انجام شده در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان در ایران نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی نظام آموزشی از توفیق چندانی برخوردار نبوده و دانش‌آموختگان پس از ورود به حوزه شغلی به دلیل نداشتن شایستگی‌های لازم، موجب اتلاف هزینه و کاهش اثربخشی در حیطه شغلی‌شان می‌شوند (مومنی مهموئی، کاظم‌پور و تفرشی، ۱۳۹۰؛ شیرجنگ، علیزاده، مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۱) و نداشتن مهارت‌های موردنیاز بازار کار، باعث ایجاد انتقادات به عملکرد نظام آموزش عالی گردیده است (یاثو^۱، ۲۰۱۹). از همین‌رو نظام‌های آموزش عالی جهان برای افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زندگی کاری دانش‌آموختگان، آموزش‌های مهارتی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند (الوری و الوری^۲، ۲۰۱۸).

مؤسسات آموزش عالی دانشجویان را با تمرکز بر مهارت‌های انضباطی، آکادمیک و فنی آموزش می‌دهند، در حالی که اغلب آن‌ها در کنار این شایستگی‌های تخصصی، فاقد سایر مهارت‌های مهم اشتغال‌پذیری یا مهارت‌های نرم هستند. در همین راستا، توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینی^۳ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این شایستگی‌ها و مهارت‌ها از موضوعات مرتبط با کلیه رشته‌ها و مورد نیاز در تمام مشاغل مدرن و مسیرهای حرفه‌ای شغلی هستند (ونسار، آنتونلی، دروینسکی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). شایستگی‌های کارآفرینی به‌عنوان ویژگی‌هایی اساسی مانند دانش عمومی و تخصصی، انگیزه‌ها، صفات، خودآنگاره‌ها، نقش‌های اجتماعی و مهارت‌هایی تعریف می‌شوند که منجر به شروع، تداوم یا بقای فعالیتی ریسک‌پذیرانه می‌شوند (بیرد^۵، ۲۰۱۹). نیشا و راجاسکاران^۶ (۲۰۱۸) نیز انواع مختلفی از این مهارت‌ها مانند مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های کار تیمی، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های هوش هیجانی، مهارت‌های خود ارزیابی، مهارت‌های رهبری، مهارت‌های محاسباتی، مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های تحلیلی و غیره را معرفی می‌کنند و تأکید می‌کنند که داشتن این شایستگی‌ها و مهارت‌ها می‌تواند به فارغ‌التحصیلان جوان کمک کند تا در حرفه خود پیشرفت کنند (نیشا و راجاسکاران، ۲۰۱۸). هدف آموزش عالی کارآفرینانه، فراهم کردن پایه‌های دانش و تحریک تفکر کارآفرینانه در دانشجویان است (اکه‌متشین، مولر، یاماشو^۷ و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین دانشگاه‌ها باید به‌طور مناسب برنامه‌های درسی تمرین کارآفرینی را افزایش دهند تا شایستگی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را پرورش دهند (وانگ و مانگمیچای^۸، ۲۰۲۲). برنامه‌هایی که مهارت‌های کارآفرینی را ارتقا می‌دهند به جلوگیری از عدم تطابق در شغل اولیه فرد کمک می‌کنند و در صورت مشاهده عدم تطابق در اولین شغل فرد، به خروج او از این وضعیت منجر می‌شوند (کوکل و ویلاتابوفی، ۲۰۱۹). سطوح بالاتر مهارت‌های کارآفرینی، احتمال تحصیل بیش از حد را برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کاهش می‌دهد و به افراد کمک می‌کند تا مشاغل بهتری به

1. Yao
2. Olori & Olori
3. Entrepreneurial skills
4. Venesaar, Antonelli & Dorożyński
5. Bird
6. Nisha & Rajasekaran
7. Akhmetshin, Mueller, Yumashev
8. Wang & Mangmeechai

دست آورند، حتی اگر به جای مشاغل خوداشتغالی به دنبال شغلی با دریافت حقوق باشند (کوکل، رابرت، بویل و مسفرر^۱، ۲۰۱۶).

از این رو و با توجه به نیاز فزاینده به کسب مهارت‌های مورد نیاز که سازگاری پایدار با الزامات بازار کار آینده را ممکن می‌سازد، سیستم‌های آموزشی تحت فشار هستند تا از آموزش با کیفیت اطمینان حاصل کنند و این مهارت‌ها را به‌طوری فزاینده در برنامه‌های درسی خود بپذیرند. تمرکز بر این مهارت‌ها در آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار از اهمیتی ویژه برخوردار است و از طریق افزایش قابلیت اشتغال می‌تواند به یکی از اولویت‌های اساسی نظام آموزش عالی تبدیل شود (هابز، سافرز، هیجدن و پترز^۲، ۲۰۲۰). در همین راستا و با توجه به نقشی که فارغ‌التحصیلان می‌توانند در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و گسترش مؤلفه‌های آمایش سرزمینی داشته باشند، پژوهش حاضر در تلاش برای بررسی میزان تأثیر کیفیت برنامه درسی دانشگاه در راستای تربیت نیروی انسانی ارزش‌آفرین بوده است. از دیدگاه نوآورانه می‌توان گفت شاید پژوهش حاضر از اولین و معدود پژوهش‌هایی است که در سطح کشور، ضمن مطالعه برنامه درسی دانشگاهی، به بررسی تأثیر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیلات و شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پرداخته است و با توجه به شکاف مطالعاتی موجود در زمینه تأثیر کیفیت آموزش‌های رسمی دانشگاهی بر تطابق یا عدم تطابق تحصیل-شغل دانش‌آموختگان و نیز توجه به توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه حاصل از این برنامه‌های رسمی بر کارایی بالاتر آن‌ها، در تلاش برای پاسخگویی به این سوال است که، تأثیر کیفیت برنامه درسی ارائه شده در دانشگاه، با میانجی‌گری شایستگی کارآفرینی بر عدم تطابق تحصیلات-شغل دانش‌آموختگان چگونه است؟ این مقاله با رویکردی بین‌رشته‌ای و با آزمون مدلی فرضی براساس پژوهش‌های پیشین شکل گرفته است و مدل مفهومی فرضی پژوهش حاضر به شکل زیر است:



شکل ۱. مسیرهای مدل فرضی نقش شایستگی کارآفرینانه در رابطه بین کیفیت برنامه درسی با عدم تطابق تحصیل - شغل

براساس مدل مفهومی مطرح شده فرضیات پژوهش، به قرار ذیل است:
کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیلات-شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل تأثیر دارد.
کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر شایستگی‌های کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل تأثیر دارد.
شایستگی‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیلات-شغل در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل تأثیر دارد.
شایستگی‌های کارآفرینانه در تأثیرگذاری کیفیت برنامه‌درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیل-شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل نقش میانجی دارد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

عدم تطابق تحصیل-شغل: مطالعات قبلی و دیدگاه عمومی، عدم تطابق آموزشی را نتیجه‌ای غیرارادی از اصطکاک‌های بازار کار و فقدان فرصت‌های شغلی در حوزه تحصیلی فرد می‌دانند (استبرو، چن و تامپسون^۱، ۲۰۱۱، سیرانوسکی، گیلبرت، لدفورد^۲ و همکاران، ۲۰۱۱، استفان^۳، ۲۰۱۲) و مطابق با این دیدگاه، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که در یک اقتصاد ضعیف وارد بازار کار می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که دچار عدم تطابق تحصیل-شغل باشند (اوروپولوس، وان‌واچر، هیز^۴، ۲۰۱۲؛ اور^۵، ۲۰۰۶؛ استونز^۶، ۲۰۰۸). فرصت‌های بازار کار ممکن است برای شاغلین با تحصیلات عالی و توانایی بالاتر بهتر باشد؛ زیرا میزان بهره‌وری این افراد بالاتر است و کارفرمایان باید آن‌ها را بر کارکنان خود که بهره‌ی کمتری دارند، ترجیح دهند (آگاروال و اوهایما^۷، ۲۰۱۳؛ استرن^۸، ۲۰۰۴)؛ از سوی دیگر، ممکن است تعداد مشاغلی که نیاز به بهره‌گیری از مهارت‌ها و تحصیلات عالی هستند، محدود باشد و خطر بروز عدم تطابق را برای کارکنان دارای تحصیلات عالی افزایش دهد (استفان، ۲۰۱۲؛ سائورمن و راج^۹، ۲۰۱۶؛ سیرانوسکی و همکاران، ۲۰۱۱). عدم تطابق تحصیل-شغل می‌تواند به دو شکل عمودی و افقی پدیدار شود (درتومی، سلیمی‌فر و ملک‌الساداتی، ۱۳۹۶). عدم تطابق افقی به معنای تفاوت بین زمینه تحصیلی و نوع کاری است که فرد به آن مشغول است و عدم تطابق عمودی به تفاوت بین سطح تحصیلات و کاری که فرد به آن اشتغال دارد، اشاره می‌کند (واردانی و همکاران، ۲۰۲۱). در واقع استخدامی که به مهارت‌های یک فارغ‌التحصیل مرتبط نباشد یک عدم تطابق افقی است از سوی دیگر، استخدام فردی که واجد تحصیلات بیشتر یا کمتر از نیاز یک شغل باشد، یک عدم تطابق عمودی است. عدم تطابق افقی بیشتر نشان می‌دهد که یک سیستم آموزشی ناکارآمد است، زیرا در توسعه طیف گسترده‌ای از مهارت‌های تخصصی شکست می‌خورد (ورهاسست و همکاران، ۲۰۱۵). به بیانی می‌توان گفت از جمله دلایل بروز این شکاف بین تحصیلات آکادمیک و مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار ایران ناشی از برنامه‌های درسی دانشگاهی، عدم توجه به مهارت‌های عملی و کارآفرینانه در برنامه درسی، پیوند ضعیف دانشگاه با صنعت و جامعه و کمبود منابع و تجهیزات دانشگاهی به‌ویژه در

1. Åstebro, Chen & Thompson
2. Cyranoski, Gilbert & Ledford
3. Stephan
4. Oreopoulos, Von Wachter & Heisz
5. Oyer
6. Stevens
7. Agarwal & Ohyama
8. Stern
9. Sauermann & Roach

برخی رشته‌ها است (نظرزاده و پروین، ۲۰۲۳).

برنامه درسی: برنامه درسی هسته اصلی تمام برنامه‌ها و محور فعالیت‌های تعلیم و تربیت دانشگاهی و ابزاری برای تحقق اهداف نظام آموزش عالی (ربولو و ایوارس بیدال^۱، ۲۰۰۴) و شامل طیف وسیعی از فرصت‌های یادگیری است که توسط مؤسسات آموزشی و در قالب یک دوره برنامه‌ریزی شده به فراگیران ارائه می‌شود و به صورت رسمی مورد سنجش و ارزشیابی قرار می‌گیرد (گاسپر و ایفنتلر، ۲۰۱۴). در میان نظریات ذکر شده، مدلی که از سوی کلاین^۲ (۱۹۸۵) در برنامه درسی ارائه شده، نگرش جامع‌تری نسبت به برنامه درسی دارد. این مدل از سه بخش تشکیل یافته که در یک ارتباط متقابل با یکدیگر هستند: بخش اول: دیدگاه (سطوح) برنامه درسی است و شامل ایده‌آل، رسمی، آموزشی، اجرایی و تجربی می‌باشد. بخش دوم: نه عنصر برنامه درسی است که شامل اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، راهبردهای تدریس، مواد آموزشی، گروه‌بندی، فضا (مکان)، زمان و ارزشیابی می‌باشد و بخش سوم: شامل عوامل کیفی برنامه درسی است که عبارت‌اند از: توصیف، تصمیم‌گیری، منطق، اولویت‌ها، نگرش‌ها، تناسب، جامعیت، فردیت، عوامل تسریع‌کننده و بازدارنده (کلاین، ۱۳۶۹). از طرفی، عناصر برنامه درسی در دانشگاه باید با توجه به اهداف مهارت‌محوری و اشتغال‌زایی تدوین و جهت‌گیری جدی‌تری به ایجاد شایستگی‌های لازم در زمینه‌های عمومی و تخصصی دانشجویان داشته باشند تا قادر به پاسخگویی به نیازهای دنیای کار باشند (محمد شفیع، نیستانی، میرشاه جعفری و تقوائی، ۱۳۹۹) و دانشگاه‌ها باید بکوشند با بهبود عناصر برنامه درسی در مواردی مانند اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس، بازخورد و ارزشیابی به این مهم دست پیدا کنند (ایو، آپوت، انچو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). اینکه برنامه درسی دارای ساختاری پویا و متناسب با نیازهای فرد و جامعه باشد و منافع مورد نظر فردی و اجتماعی مورد انتظار را تأمین کند؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای این منظور، برنامه‌های درسی آموزش عالی باید دارای شرایط لازم برای دادن شایستگی‌های مورد نیاز اقتصاد و بازار کار متناسب با شرایط روز جامعه باشد (آکپونار، اوزرن و اردامار^۴، ۲۰۲۰). بنابراین، برنامه درسی نیازمند کاربست محتوایی شایستگی‌محور برای آماده‌سازی فارغ‌التحصیلانی است که آماده ورود به بازار کار هستند و یکی از راهکارهای موجود در این زمینه اجرای شکلی از برنامه درسی است که فارغ‌التحصیلان بتوانند پس از فراغت از تحصیل در مورد شغل خود تصمیم بگیرند (ژویددی، روحادی و کوداما^۵، ۲۰۲۳). لذا دانشگاه‌ها باید به‌طور مناسب برنامه‌های درسی تمرین کارآفرینی را افزایش دهند تا شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان را پرورش دهند (وانگ و مانگمیچای، ۲۰۲۲). ارائه مهارت‌های کارآفرینی در برنامه‌های درسی آموزش عالی قادر خواهد بود به کاهش مشکلات ناشی از عدم تطابق تحصیل با شغل کمک کند (کوکل و ویلاتا بوفی، ۲۰۱۹).

شایستگی کارآفرینانه: شایستگی‌های کارآفرینانه به‌عنوان ویژگی‌هایی اساسی مانند دانش عمومی و تخصصی، انگیزه‌ها، صفات، خودانگاره‌ها، نقش‌های اجتماعی و مهارت‌هایی تعریف می‌شوند که منجر به شروع، تداوم یا بقای فعالیتی ریسک‌پذیرانه می‌شوند (بیرد، ۲۰۱۹). اتحادیه اروپا^۶ مفهوم شایستگی‌های کارآفرینی را به‌عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها با پتانسیل شکل‌دهی به جامعه از طریق ایجاد ارزش در سطوح اجتماعی، فرهنگی یا مالی تعریف کرده است (باچیگالووا، کمپیلیس، پونی^۷ و همکاران، ۲۰۱۶) که شامل ظرفیت تفکر سازنده، حل مسائل خلاقانه و برقراری ارتباط مؤثر است و نشان می‌دهد که

1. Rebollo & Ivars Baidal
2. Klein
3. Iwu, Opute, Nchu
4. Akpunar, Ozeren & Erdamar
5. Djubaedi, Rohadi & Kodama
6. Entrepreneurship Competence
7. European Council
8. Bacigalupo, Kamylyis & Punie

فارغ‌التحصیلان برای موفقیت در بازار کار علاوه بر مدارک تحصیلی، به طیف وسیعی از مهارت‌های اساسی نیز نیاز دارند (کانتون^۱، ۲۰۲۱). دانشجویان و دانش‌آموختگان به‌عنوان برون‌داده‌های اصلی نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها، شاه‌کلید ارزیابی کارایی بهینه آموزش‌های دانشگاهی و کاربست عملی این آموزش‌ها در جامعه محسوب می‌شوند. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، به علت عدم تطابق بین آموزش دانشجویان با نیازهای بازار کار، دانش‌آموختگان به‌عنوان برون‌داد نظام آموزش عالی، از توانمندی‌های لازم از جمله در حوزه کارآفرینی برخوردار نمی‌شوند و بدون تلاش برای ایجاد فرصت‌های شغلی و مشارکت در توسعه ملی، به سمت استخدام بخش دولتی کشیده می‌شوند (بازرگان، ۱۳۸۰). دانشجویان باید به‌گونه‌ای پرورش یابند که قابلیت‌های کارآفرینانه در آن‌ها توسعه پیدا کند و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که کارآفرینی در قالب و ساختار برنامه درسی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از جایگاهی شایسته برخوردار شود (امینی، تمنایی‌فر و غلامی علوی، ۱۳۹۲). دانشگاه‌ها موظفند با ارائه یک برنامه درسی غنی، علاوه بر گسترش دانش موضوعی، دانشجویان را برای ورود به دنیای اشتغال آماده کنند و بر این اساس می‌توان از رویکردهای پرورش شایستگی کارآفرینی در طراحی برنامه درسی بهره گرفت (دینینگ^۲، ۲۰۱۸). از همین‌رو چندین مؤسسه آموزش عالی، برنامه درسی کارآفرینی را با تمرکز قابل توجهی بر علوم، مهندسی، فناوری، علوم انسانی و هنر، علوم پزشکی و علوم زیستی در برنامه‌های تحصیلی مختلف گنجانده‌اند (تورنر و گیاندویز^۳، ۲۰۱۸). ماومک^۴ (۲۰۱۳) نیز بر ایجاد نوآوری در برنامه درسی آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای از طریق ادغام برنامه‌های آموزش کارآفرینی در این برنامه‌ها تأکید می‌کند. ویژگی و هدف اصلی این آموزش‌ها پرورش افرادی خودپایدار و متکی بر خود است اما با وجود رشد برنامه‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها و اهمیت تلفیق محتوا و رویه‌های کارآفرینانه در فرآیند تدریس و آموزش دانشگاهی، همچنان نیاز به توجه به یک برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ در رویه‌ها و محتوا، دیدگاه‌ها و ساختار کارآفرینانه در نظام آموزش عالی احساس می‌شود (سوختانلو، ۱۳۹۵). زمانی که بین دانشجویان و اساتید در مورد اهمیت شایستگی‌های کارآفرینی اجماع وجود داشته باشد و دانشجویان اهمیت بیشتری به این شایستگی‌ها در طی دوره تحصیل و گذران برنامه درسی خود می‌دهند، سطح بالاتری از شایستگی در دانشجویان قابل رویت است (گارسیا کابرا، مارتین سانتانا، دلاکروز دنیز و همکاران^۵، ۲۰۲۳).

روش‌شناسی پژوهش

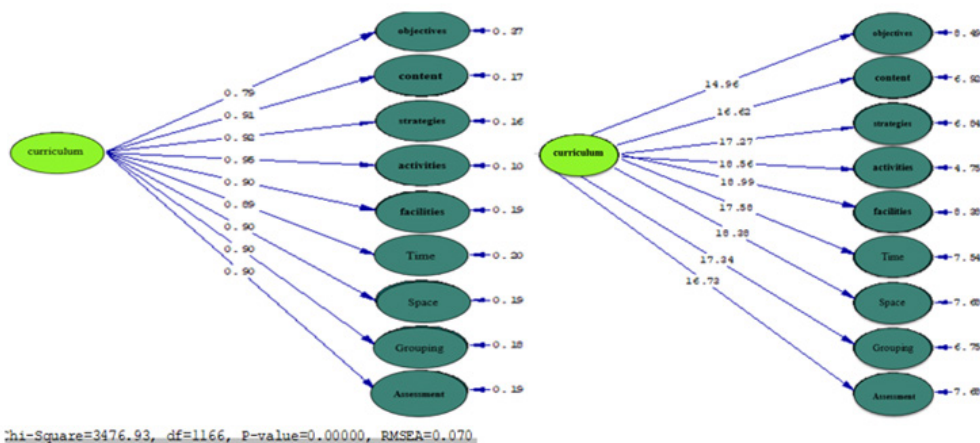
تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، پژوهشی پیمایشی-توصیفی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموختگان سال‌های تحصیلی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰، مقطع کارشناسی دانشگاه سراسری ارومیه به تعداد ۹۳۳۵ نفر تشکیل دادند که در حال حاضر اشتغال به کار داشتند. با استناد به فرمول کوکران^۶ تعداد حداقل نمونه مورد نیاز برای پژوهش ۳۷۰ نفر برآورد شد و نهایتاً تعداد ۴۱۱ نفر (۱۶۹ مرد و ۲۴۲ زن) از فارغ‌التحصیلان شاغل با روش نمونه‌گیری تصادفی به‌عنوان نمونه در پژوهش مشارکت کردند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه خودگزارشی در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده شد. لازم به ذکر است که در هنگام اجرای پرسشنامه‌ها توضیحات لازم به آزمودنی‌ها ارائه گردید و به آن‌ها در خصوص محرمانه بودن اطلاعات، اطمینان لازم داده شد.

1. Canton
2. Dinning
3. Turner, & Gianiodis
4. Moemeke
5. García-Cabrera, Martín-Santana & de la Cruz Déniz-Déniz
6. cochran

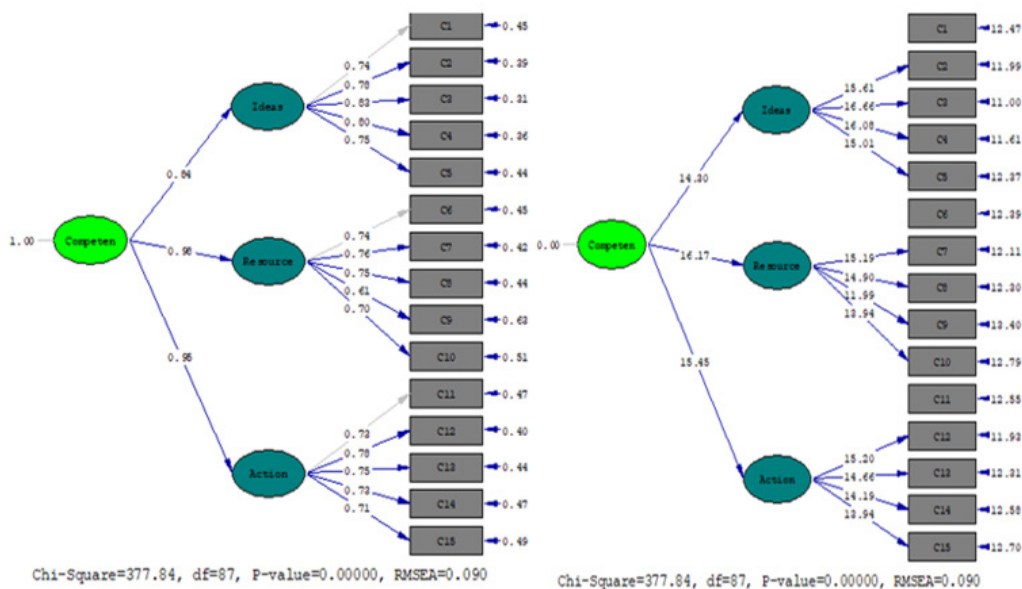
برای سنجش عدم تطابق افقی تحصیل-شغل از پرسشنامه به کار رفته در مطالعه چاودی، سیروتیا و ام آر^۱ (۲۰۲۲) با پایایی ۸۷/۰ در ۵ گویه استفاده شد. عدم تطابق عمودی تحصیلات-شغل نیز با استفاده از ۷ گویه مطابق با مطالعات قبلی در این خصوص (ارائه شده توسط چوالیر^۲، ۲۰۰۳) تهیه شده و پایایی و روایی آن سنجیده شد. برای بررسی کیفیت برنامه درسی دانشجویان، از مقیاس ۵۰ گویه‌ای ساخته شده توسط محمدشفیعی و همکاران (۲۰۲۰) با نه زیرمقیاس مطابق با نظریه کلاین (اهداف برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، راهبردهای یاددهی و یادگیری، فعالیت‌های یادگیرنده، تجهیزات و امکانات آموزشی، زمان آموزشی، فضای آموزشی، گروه‌بندی و ارزشیابی) استفاده شد که پایایی این پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۹۲/۰ در مطالعه مذکور تأیید شده است و شایستگی کارآفرینی با پرسشنامه تهیه شده توسط جانوسالو^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در سه حوزه شایستگی مرتبط و به هم پیوسته شامل ایده‌ها و فرصت‌ها^۴، منابع^۵ و ورود به عمل^۶ در ۱۵ گویه سنجیده شد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در ۷ کشور از ۸۷/۰ تا ۹۵/۰ متفاوت بوده که حاکی از پایایی مطلوب پرسشنامه دارد. ایده‌ها و فرصت‌ها شامل شایستگی‌های فرعی مانند شناسایی فرصت‌ها، خلاقیت، بینش، ارزش‌گذاری ایده‌ها و تفکر اخلاقی و پایدار هستند. منابع شامل خودآگاهی و خودکارآمدی، انگیزه و پشتکار، بسیج منابع، سواد مالی و اقتصادی و بسیج دیگران است. حوزه سوم با عنوان ورود به عمل، شامل شایستگی‌های فرعی ابتکار، برنامه‌ریزی و مدیریت، مقابله با ابهام، عدم اطمینان و ریسک، کار با دیگران و یادگیری از طریق تجربه می‌شود.

برای سنجش میزان اعتبار ابزار سنجش، تحلیل عامل تأییدی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل^۷ انجام شد. قبل از ارزیابی مدل ساختاری به‌منظور ایجاد مدل اندازه‌گیری برازنده و قابل قبول و تعیین این موضوع که آیا نشانگرها به خوبی سازه نظری زیربنایی را اندازه‌گیری می‌نمایند، تحلیل عاملی تأییدی در مورد کلیه عوامل مکنون اجرا شد. مدل ارزیابی شده در این پژوهش شامل ۳ متغیر مکنون: ۱- کیفیت برنامه درسی، ۲- شایستگی کارآفرینی و ۳- عدم تطابق تحصیل-شغل بود. همان‌طور که در شکل‌های شماره ۲ تا ۷ قابل مشاهده است، هر کدام از متغیرهای مکنون کیفیت برنامه درسی (با ۹ شاخص)، شایستگی کارآفرینی (با ۱۵ شاخص) و عدم تطابق تحصیل-شغل (با ۹ شاخص) که دارای بیشترین بار عاملی بودند مورد سنجش قرار گرفتند. بارهای عاملی (برآوردهای استاندارد) متغیرهای اندازه‌گیری برای عامل مکنون کیفیت برنامه درسی بین ۷۹/۰ تا ۹۶/۰؛ شایستگی کارآفرینی بین ۶۱/۰ تا ۸۳/۰ و برای عامل مکنون عدم تطابق تحصیل-شغل ۳۸/۰ تا ۹۲/۰ بدست آمد که بار عاملی همه نشانگرهای متغیرهای مکنون در سطح ۰/۱ معنادار می‌باشد که این امر نشان‌دهنده روایی همگرایی نشانگرها است.

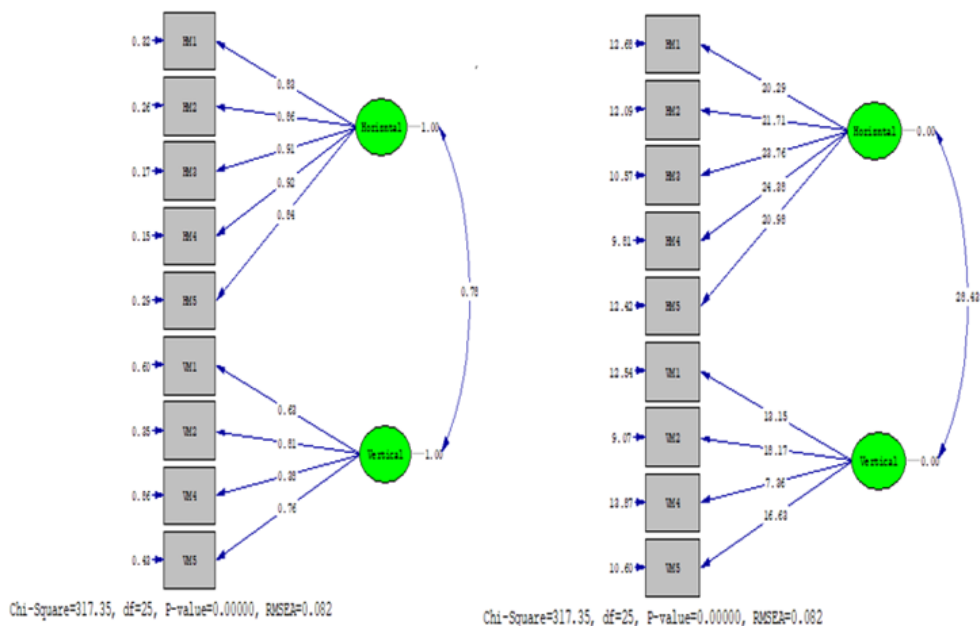
-
1. Chavadi, Sirothiya & MR
 2. Chevalier
 3. Joensuu-Salo
 4. ideas & opportunities
 5. resources
 6. into action
 7. Linear Structural Relationships (Lisrel)



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری متغیر مکنون کیفیت برنامه درسی بر اساس ضرایب استاندارد و ضرایب t



شکل ۳. مدل اندازه‌گیری متغیر شایستگی کارآفرینی بر اساس ضرایب استاندارد و ضرایب t



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری متغیر عدم تطابق تحصیل- شغل بر اساس ضرایب استاندارد و ضرایب t

بررسی میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های استفاده شده در پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری و به‌منظور اطمینان از پایایی ابزارهای اندازه‌گیری مطابق با جدول ۱، نشان‌گر آن است که با توجه به اینکه میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای هر یک از شاخص‌های تحقیق، بزرگ‌تر از ۷۰٪ می‌باشند، پایایی ابزار قابل قبول بوده و این موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرها و قابلیت اعتماد ابزار برای سنجش مفاهیم مورد نظر است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ هر یک از شاخص‌های تحقیق

شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
اهداف برنامه درسی	۹۱/۰
محتوای برنامه درسی	۹۲/۰
راهنما‌های یاددهای	۹۲/۰
فعالیت‌های یادگیری	۸۸/۰
تجهیزات آموزشی	۹۲/۰
زمان آموزشی	۹۱/۰
فضای آموزشی	۹۲/۰
گروه‌بندی	۸۹/۰
ارزشیابی	۹۴/۰

ایده‌ها و فرصت‌ها	۸۸/۰
منابع	۸۳/۰
اقدام به عمل	۸۶/۰
عدم تطابق افقی تحصیل-شغل	۹۴/۰
عدم تطابق عمودی تحصیل-شغل	۷۳/۰

یافته‌های پژوهش

به‌منظور ارائه اطلاعات توصیفی مطابق با جدول ۲ به توصیف متغیرهای کیفیت برنامه درسی دانشگاه، شایستگی کارآفرینی و عدم تطابق افقی و عمودی تحصیل-شغل و مؤلفه‌های آن‌ها پرداخته شد.

جدول ۲. توصیف متغیرهای پژوهش و ابعاد آن‌ها

متغیر	حداقل و حداکثر نمره ممکن	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	فراوانی
اهداف برنامه درسی	۵-۱	۸۶/۰	۳۸/۲	۵	۱	۴۱۱
محتوای برنامه درسی	۵-۱	۷۱/۰	۱۰/۲	۵	۱	۴۱۱
راهبردهای یاددهی	۵-۱	۸۷/۰	۵۵/۲	۵	۱	۴۱۱
فعالیت‌های یادگیری	۵-۱	۹۱/۰	۴۶/۲	۵	۱	۴۱۱
تجهیزات آموزشی	۵-۱	۹۲/۰	۴۴/۲	۵	۱	۴۱۱
زمان آموزشی	۵-۱	۸۹/۰	۶۱/۲	۵	۱	۴۱۱
فضای آموزشی	۵-۱	۹۰/۰	۴۳/۲	۵	۱	۴۱۱
گروه‌بندی	۵-۱	۹۵/۰	۴۹/۲	۵	۱	۴۱۱
ارزشیابی	۵-۱	۹۳/۰	۴۷/۲	۵	۱	۴۱۱
کیفیت برنامه درسی	۵-۱	۷۷/۰	۴۴/۲	۵	۱	۴۱۱
ایده‌ها و فرصت‌ها	۵-۱	۷۸/۰	۷۷/۳	۵	۱	۴۱۱
منابع	۵-۱	۷۱/۰	۹۲/۳	۵	۱	۴۱۱
اقدام به عمل	۵-۱	۷۲/۰	۸۴/۳	۵	۱	۴۱۱
شایستگی کارآفرینی	۵-۱	۷۷/۰	۴۴/۳	۵	۱	۴۱۱
عدم تطابق تحصیل-شغل افقی	۵-۱	۱/۱	۷۱/۲	۵	۱	۴۱۱
عدم تطابق تحصیل-شغل عمودی	۵-۱	۸۵/۰	۵۶/۲	۵	۱	۴۱۱
عدم تطابق تحصیل-شغل کل	۵-۱	۹۱/۰	۶۴/۲	۵	۱	۴۱۱

قبل از تجزیه و تحلیل فرضیات، لازم به ذکر است که با توجه به اینکه تمامی نمرات حاصل از اندازه‌گیری در این پژوهش، کمی و در مقیاس فاصله‌ای قرار دارند، مطابق با اصول آمار پارامتریک، از اولین و اصلی‌ترین شرایط مربوط به انجام تحلیل‌ها، بررسی توزیع طبیعی نمرات می‌باشد. برای این منظور از

آزمون کالموگروف- اسمیرنوف^۱ استفاده شد که نتایج به دست آمده از مقدار Z کلموگروف- اسمیرنوف (مقدار آن در تمام متغیرها غیرمعنادار است)، نشان دهنده عدم تفاوت معنادار بین نمرات و نرمال بودن توزیع تمام متغیرهاست (جدول ۳).

جدول ۳. آزمون کالموگروف- اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش

گروه	آماره آزمون	P - value
کیفیت برنامه درسی	۰۶/۱	۲۰/۰
شایستگی کارآفرینی	۳۰/۱	۰۷/۰
عدم تطابق تحصیل-شغل	۲۷/۱	۰۸/۰

همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است. از تحلیل همبستگی میان متغیرهای برونزا و درونزا می توان نتیجه گیری کرد که هرگونه افزایش در میزان کیفیت برنامه درسی تجربه شده همراه با افزایش در شایستگی کارآفرینی و کاهش در عدم تطابق تحصیل-شغل فارغ التحصیلان شاغل خواهد بود و هرگونه افزایش در میزان شایستگی کارآفرینی همراه با کاهش در میزان عدم تطابق تحصیل-شغل فارغ التحصیلان شاغل خواهد بود.

جدول ۴. ماتریس کواریانس متغیرهای مکنون

متغیرها	کیفیت برنامه درسی	شایستگی کارآفرینی	عدم تطابق تحصیل-شغل
کیفیت برنامه درسی	۱		
شایستگی کارآفرینی	۱۷۲/۰***	۱	
عدم تطابق تحصیل-شغل	۲۴۶/۰***	۳۱۲/۰***	۱

*** > ۰/۰۱

جهت آزمودن اثرات مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده در فرضیات پژوهش با بهره گیری از روش الگویابی معادلات ساختاری، برازندگی الگوی کلی پیشنهادی بر اساس ترکیبی از سنجه های برازندگی جهت تعیین کفایت برازش مدل با داده ها مورد استفاده قرار گرفت که در جدول ۵ گزارش می شود.

جدول ۵. ماتریس کواریانس متغیرهای مکنون

متغیرها	کیفیت برنامه درسی	شایستگی کارآفرینی	عدم تطابق تحصیل-شغل
کیفیت برنامه درسی	۱		
شایستگی کارآفرینی	۰/۱۷۲**	۱	
عدم تطابق تحصیل-شغل	۰/۲۴۶**	۰/۳۱۲**	۱

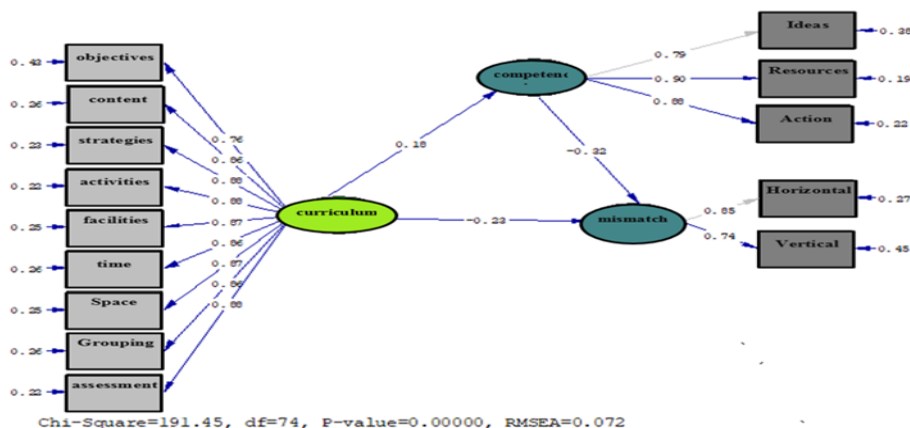
** > ۰/۰۱

جدول ۶. شاخص های برازندگی مدل ساختاری کلی

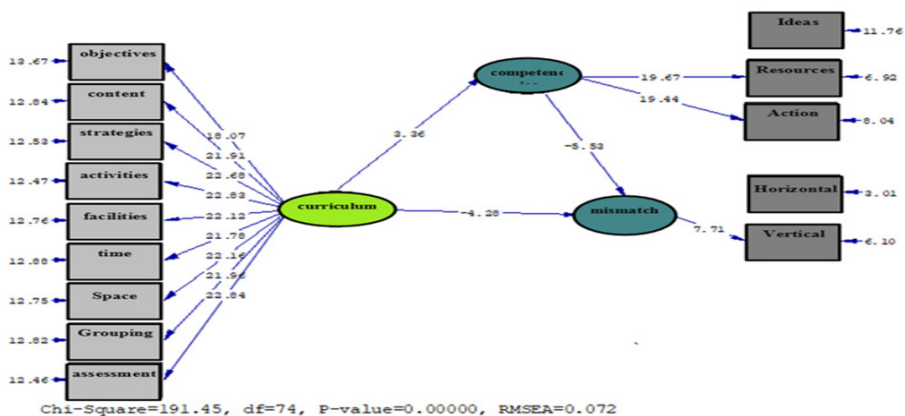
شاخص ها	X2	df	GFI	IFI	RMSEA	NNFI	CFI
مدل های نهایی	۱۹۱/۴۵	۷۴	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۰۷۲	۰/۹۱	۰/۹۳

مطابق با اطلاعات جدول ۵، مقدار مجذور خی برای قضاوت در مورد خطی بودن ارتباط سازه های مکنون برابر با ۴۵/۱۹۱ در سطح معناداری $p < ۰.۰۱$ بدست آمد. مقدار خی دو بر درجه آزادی ۵۸/۲

می‌باشد. براساس این شاخص عدد حاصل این نسبت، نبایستی بیشتر از ۳ باشد تا الگو تأیید گردد (کلاین، ۱۳۸۰) که بر این اساس می‌توان گفت که داده‌های بدست آمده با مدل فرضی مطابقت دارند. مقدار ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب برابر با ۰/۷۲ می‌باشد که براساس این شاخص اگر مقدار $RMSEA^1$ برابر با ۱۰/۰ یا بیشتر باشد، بر برازش ضعیف‌تر دلالت دارد (هومن، ۱۳۸۸). سایر شاخص‌های GFI^2 ، IFI^3 ، $NNFI^4$ و CFI^5 نیز که هر کدام وجهی از برازش مدل ساختاری را نشان می‌دهند در جدول ۶ آمده است. با توجه به نسبت مقدار مجذور کا به درجه آزادی برابر با ۵۸/۲، شاخص CFI برابر با ۰/۹۳، شاخص GFI برابر با ۰/۹۲، شاخص IFI برابر با ۰/۹۲، شاخص NNFI برابر با ۰/۹۱، شاخص RMSEA برابر با ۰/۷۲ و سایر شاخص‌ها، می‌توان گفت مدل نهایی از برازش خوبی برخوردار است. در همین راستا مدل‌های حاصل مطابق با اشکال شماره ۵ و ۶ ارائه می‌شود:



شکل ۵. مدل معادلات ساختاری براساس ضرایب استاندارد



شکل ۶. مدل معادلات ساختاری براساس ضرایب t

1. root-mean-square error of approximation
2. goodness-of-fit
3. incremental fit in
4. Nonnormed fit index
5. comparative fit index

مطابق با اشکال فوق، جدول شماره ۶ به بیان ضرائب مسیر و میزان آماره t روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش می‌پردازد:

جدول ۶. ضرائب تاثیر متغیرهای مکنون و نقش میانجی شایستگی کارآفرینی

نتیجه	T	ضریب مسیر استاندارد	مسیر فرضیه ها
اثر مستقیم دارد		۲۳/۰-	کیفیت برنامه درسی - عدم تطابق تحصیل-شغل
اثر مستقیم دارد	**۳۶/۳	۱۸/۰	کیفیت برنامه درسی - شایستگی کارآفرینی
اثر مستقیم دارد		۳۲/۰-	شایستگی کارآفرینی - عدم تطابق تحصیل-شغل
اثر غیرمستقیم دارد	-	۰۶/۰-	کیفیت برنامه درسی - عدم تطابق (از طریق شایستگی کارآفرینی)

در توضیح جدول شماره ۶، در مدل ساختاری معناداری ضریب مسیر با استفاده از t (t - value) مشخص می‌شود. چنانچه مقدار t بین ۹۶/۱ الی ۵۷/۲ باشد، ارتباط دو سازه در سطح معنادار است. اگر مقدار t بیشتر از ۵۷/۲ باشد، معناداری ارتباط در سطح $P > ۰/۱۰$ می‌باشد. بر این اساس در آزمون فرضیات پژوهش می‌توان گفت:

براساس معنادار بودن ضریب مسیر بین کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیل-شغل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل با $(\beta, ۲۸/۴-)$ $t = ۲۳/۰-$ در سطح $P > ۰/۱۰$ چنین نتیجه می‌شود که فرضیه اول تأیید می‌شود. براساس معنادار بودن ضریب مسیر بین کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر شایستگی‌های کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل با $(\beta, ۳۶/۳)$ $t = ۱۸/۰$ در سطح $P > ۰/۱۰$ چنین نتیجه می‌شود که فرضیه دوم تأیید می‌شود. براساس معنادار بودن ضریب مسیر بین شایستگی‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیل-شغل در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با $(\beta, ۵۳/۵-)$ $t = ۳۲/۰-$ در سطح $P > ۰/۱۰$ چنین نتیجه می‌شود که فرضیه سوم تأیید می‌شود. در مورد فرضیه چهار کیفیت برنامه درسی دانشگاه با ضریب ۱۸/۰ دارای اثر مثبت و معنادار بر شایستگی‌های کارآفرینانه است و در عین حال شایستگی‌های کارآفرینانه دارای اثر معنادار منفی بر عدم تطابق تحصیل-شغل با ضریب $-۳۲/۰$ می‌باشند؛ بنابراین نقش میانجی شایستگی‌های کارآفرینانه در رابطه بین کیفیت برنامه درسی دانشگاه و عدم تطابق تحصیل-شغل در مدل تأیید می‌شود و میزان این اثر غیرمستقیم $۰/۶-$ است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از تحلیل‌های آماری حاکی از این بود که کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر عدم تطابق تحصیل-شغل اثری منفی و معنادار دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پومی و سلزنوا (۲۰۲۱)، کونوا و همکاران (۲۰۲۰)، کوکل و ویلاتابوفی (۲۰۱۹)، هنمن و لیفندر (۲۰۱۰) هم‌راستا بودند. در تبیین این رابطه می‌توان گفت بالاترین باره از آموزش‌ها و برنامه‌های دانشگاهی برای جامعه زمانی حاصل می‌شود که توانمندی و مهارت‌های افراد به خوبی با نیازهای کارفرمایان مطابقت داشته باشند، به طوری که دانش و مهارت‌هایی که از طریق آموزش به دست می‌آیند به نحو مطلوب در بازار کار استفاده شوند. عدم هماهنگی بین تحصیلات آکادمیک و مهارت‌های مورد نیاز در بازار کار، اقتصاد ایران را نیز تضعیف کرده است و فقدان مهارت‌های عملی و کارآفرینی در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی منجر به افزایش بیکاری در جامعه ایران شده است (نظرزاده و پروین، ۲۰۲۳). با توجه به کارکردهای آموزش عالی، دانشگاه‌ها باید به این خواسته‌های تجاری پاسخ دهند و دانشجویان خود را با برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای بازار کار آموزش دهند، چرا که این تناسب باعث بهبود قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و نیز افزایش تطابق تحصیلات آن‌ها با مشاغل موجود در بازار کار خواهد شد.

در رابطه با تأثیر کیفیت برنامه درسی دانشگاه بر شایستگی‌های کارآفرینانه در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل یافته‌های پژوهش رابطه مثبت و معنادار را نشان داد. در همین راستا می‌توان به مطالعات ژوبیدی و همکاران (۲۰۲۳)، اخمتشین و همکاران (۲۰۱۹)، گارسیا کابرا و همکاران (۲۰۲۳) و دینینگ (۲۰۱۸) اشاره کرد. هم‌چنین مطابق با نظر ملکی‌پور و همکاران (۲۰۱۷ و ۲۰۱۸) و اقبال و همکاران (۲۰۲۲) ادغام و لزوم توجه به شایستگی‌های کارآفرینانه در برنامه درسی بازنگری شده دانشگاه‌ها از اهمیتی ویژه برخوردار است. دانشگاه‌ها باید برای به‌روزرسانی برنامه درسی کارآفرینی و ایجاد یک محیط آموزشی مساعد که تغییر مثبتی را برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان‌شان ایجاد کند، ابتکار عمل داشته باشند (اقبال، اصغر، اصغر، وقار، ۲۰۲۲). برای کاهش موجودی نیروی کار ناسازگار و افزایش خدمات شغل‌یابی با هدف افزایش تطابق تحصیلات-شغل، باید برنامه‌های فعال‌تر و سیاست‌های افزایش انگیزه کارآفرینی در افراد مد نظر قرار گیرد (الامین^۱، ۲۰۲۳). از همین‌رو و مبتنی بر نظر تورنر و گیاندویز (۲۰۱۸) شواهد حاکی از تأثیر ادغام محتوای کارآفرینانه و شایستگی‌محور برنامه درسی در چندین گروه مختلف تحصیلی، نشان می‌دهد یک برنامه درسی کارآفرینانه بر به‌روزرسانی محتوا و مطالب برنامه درسی، استراتژی‌های تدریس و شیوه‌های بازخورد و ارزیابی برای آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای تبدیل شدن به افرادی خوداشتغال پس از فارغ‌التحصیلی تأکید دارد و با بهبود عناصر برنامه درسی در مواردی مانند اهداف، محتوای برنامه درسی، راهبردهای تدریس، بازخورد و ارزیابی و درگیر کردن ذی‌نفعان در طراحی یک برنامه درسی کارآمد برای دانشجویان می‌توان در راستای بهبود شایستگی‌های کارآفرینی قدم برداشت. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان داد که شایستگی‌های کارآفرینانه بر عدم تطابق تحصیل-شغل در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، تأثیری منفی و معنادار دارند و این نتایج با تحقیقات رانتا^۲ و همکاران (۲۰۱۷)، کوکل و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. هرچند میزان مطالعات انجام شده در این رابطه محدود و بررسی اهمیت تأثیرگذاری این شایستگی‌ها بر تطابق نیروی کار با بازار کار، یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر به شمار می‌آید، شایان توجه است که مبتنی بر نتایج و مطالعات موجود، سطوح بالاتر مهارت‌های کارآفرینی احتمال تحصیل بیش از حد را برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کاهش می‌دهد و کسانی که دارای شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی هستند، عموماً در جستجوی شغلی خود، آگاه‌تر و خلاق‌تر عمل می‌کنند (کوکل و همکاران، ۲۰۱۶). شایستگی‌ها ویژگی‌هایی ذاتی نیستند، بلکه ویژگی‌هایی آموخته شده هستند که آن‌ها را می‌توان در یک زمینه آموزشی یا اجتماعی آموخت و سپس به یک شغل منتقل کرد و عدم تطابق مهارت‌های مشهود فارغ‌التحصیلان و نیازهای کارفرمایان در بروز بیکاری و مشکلاتی از این قسم را برطرف نمود (رانتا، سیورز و گویلند^۳، ۲۰۱۷). از همین‌رو برای انتقال موفقیت‌آمیز فارغ‌التحصیلان از دانشگاه به بازار کار، انتظار می‌رود تا برنامه درسی ارائه شده در دوره آموزش عالی، قادر باشد تا دانش، مهارت‌ها و شایستگی‌های نرم اشاره شده تحت عنوان شایستگی کارآفرینی را در دانشجویان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی بهبود بخشد. مهارت‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و توانایی رویارویی با چالش‌ها، روحیه ابتکار، میل به انجام ریسک‌های حساب شده و در عین حال پذیرفتن چالش‌های پیش رو، که برای دستیابی به نتایج عالی در دنیای اشتغال ضروری است.

با وجود این که آموزش عالی نقش مهمی در اقتصاد مدرن و فراصنعتی امروزی ایفا می‌کند، اما انتقال موفقیت‌آمیز دانشجویان به آموزش عالی و بازار کار فرآیندی پیچیده و طولانی‌مدت است. در همین راستا و با توجه به ضرورت همگام شدن با روند تحولات علمی و فناوری بین‌الملل، نتایج حاصل از این قسم پژوهش‌ها علاوه بر یاری به اصلاح مسیر و سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی، می‌تواند روشی جهت افزایش آگاهی

1. Iqbal, Asghar, Asghar & Waqar
2. Elamin
3. Ranta
4. Ranta, Sievers & Guiland

برنامه‌ریزان اقتصادی از واقعیت‌ها، نیازها و مشکلات برنامه‌ریزی‌های درسی در پاسخگویی به اقتضات بازار کار باشد و نیز گامی مؤثر به سوی بهبود وضعیت روانی جامعه و ارتقاء رضایتمندی دانش‌آموختگان آموزش عالی و همچنین افزایش اثربخشی این قشر برای جامعه و کشور خواهد بود. نتایج حاصل از مطالعه پدیده‌هایی از این نوع، سیاست‌گذاران آموزش عالی و سیاست‌گذاران بازار کار را در حل بهتر بحران بیکاری، به‌ویژه در قشر تحصیل‌کرده دانشگاهی، یاری می‌کند و به فهم بهتر بهره‌وری حاصل از تحصیلات دانشگاهی و بازده ناشی از فعالیت شغلی دانش‌آموختگان می‌انجامد، به طوری که گفته می‌شود آموزش عالی و دانشگاه کارآفرین، به شکلی مستقل از بازار کار و اشتغال، قادر به تداوم برنامه‌های خود نخواهند بود و بازار کار برای تأمین منابع انسانی سازنده خود لاجرم نیازمند بهره‌گیری از خروجی‌های شایسته و توانمند نظام آموزش عالی است. از همین رو پیشنهاد می‌شود که:

برنامه‌ریزان درسی مهارت‌های نرم و اشتغال‌زای گنجانده شده در مفهوم شایستگی‌های کارآفرینی را در ضمن ساختاربندی برنامه درسی دانشگاهی در دروس تخصصی دانشجویان رشته‌های مختلف ادغام نمایند. ادغام و ارائه چنین مهارت‌ها و شایستگی‌هایی قادر خواهد بود تا فارغ‌التحصیلان را هرچه سریع‌تر با بازار کار پیوند دهد و دانش‌آموختگان دانشگاهی به بهره‌گیری سریع‌تری از تحصیلات خود دست خواهند یافت. همچنین توجه به زمینه‌های عمومی و تخصصی مهارتی در برنامه درسی دانشگاهی، فارغ‌التحصیلان را قادر به شناسایی نیازهای جدید در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و حتی در سطح جهانی نموده و نقش سازنده‌ای برای دانشگاه‌ها از نظر تربیت افراد متخصص در جهت نقش‌آفرینی در توسعه درازمدت و پایدار کشور، فراهم می‌سازد.

دانشگاه‌ها علاوه بر کارکردهای علمی، فرهنگی و اجتماعی، به خواسته‌های تجاری جامعه پاسخ دهند و دانشجویان خود را با برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای بازار کار بیروبراند، چرا که این تناسب باعث بهبود قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌شود و نیز با پرورش افرادی متخصص و کارآفرین، قادر خواهد بود تا حدودی معضل کمبود بازار کار و اشتغال دولتی و کمبود تولید کشور را با تکیه بر نیروی انسانی متخصص، کارآفرین، ماهر و شایسته جبران نماید.

دانشگاه‌ها با تدارک دوره‌های موازی کارآفرین پرور و شایستگی گستر در کنار برنامه درسی مصوب دانشگاهی و یا معرفی دانشجویان مستعد به مراکز نوآوری و کارآفرینی، خلا موجود در ارائه مهارت‌های نرم در برنامه درسی خود را جبران نمایند و نیز زمینه‌های لازم جهت معرفی دانش‌آموختگان کارآفرین به بازار کار را فراهم سازند.

سپاسگزاری

از مشارکت معاونت محترم پژوهشی و فارغ‌التحصیلان دانشگاه ارومیه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- Abedini Baltork, M., and Kamali Ardakani, H. M. (2021). Identifying and Ranking Factors Affecting the Educational Quality of the Undergraduate Educational Sciences Using the Fuzzy VIKOR Approach (Case Study: University of Mazandaran). *New educational approaches*, 15(2), 179-194. [In Persian]
- Abunouri, A., and Zarezadeh, A. (2014). *Investigating the relationship between education level and unemployment rate in Iran*. The first national conference on the position of management and accounting in the new world of business, economy and culture. [In Persian]
- Agarwal, R., & Ohyama, A. (2013). Industry or academia, basic or applied? Career choices and earnings trajectories of scientists. *Management Science*, 59(4), 950-970
- Akhmetshin, E. M., Mueller, J. E., Yumashev, A. V., Kozachek, A. V., Prikhodko, A. N., & Safonova, E. E. (2019). Acquisition of entrepreneurial skills and competences: Curriculum development and

- evaluation for higher education. *Journal of Entrepreneurship Education*, 22(1), 1-12
- Akpunar, B., Ozeren, E., & Erdamar, F. S. (2020). *Over Education as a Problem of Higher Education Curriculum*
- Amini, M., Tamnaifar, M. R. and Gholami Alavi, p. (2013). evaluation of students' entrepreneurial capabilities; Rethinking the Missions of the Higher Education Curriculum. *Entrepreneurship Development*, 6(1), 145-164. [In Persian]
- Åstebro, T., Chen, J., & Thompson, P. (2011). Stars and misfits: Self-employment and labor market frictions. *Management Science*, 57(11), 1999-2017
- Bacigalupo, M., Kamylyis, P., Punie, Y., & Van den Brande, G. (2016). *EntreComp: The entrepreneurship competence framework*. Luxembourg: Publication Office of the European Union, 10, 593884
- Bazargan, A. (2001). *Educational evaluation (concepts, models, operational process)*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
- Bird, B. (2019). *Toward a theory of entrepreneurial competency. In Seminal ideas for the next twenty-five years of advances* (pp. 115-131). Emerald Publishing Limited
- Bright, L. (2008). Does public servicemotivation really make a differenceonthe job satisfaction andturnover intentions of public employees? *The American Review of Public Administration*, 38(2), 149–166
- Calin, P. (2001). *An easy guide to factor analysis*. translated by Seyyed Jalal Sadr al-Sadat and Asghar Minaei, Samt Publications: Tehran. [In Persian]
- Canton, H. (2021). *International Labour Organization—ILO. In The Europa Directory of International Organizations 2021* (pp. 333-338). Routledge
- Chan, S. J., & Lin, L. W. (2015). Massification of higher education in Taiwan: Shifting pressure from admission to employment. *Higher education policy*, 28, 17-33
- Chavadi, C. A., Sirothiya, M., & MR, V. (2022). Mediating role of job satisfaction on turnover intentions and job mismatch among millennial employees in Bengaluru. *Business Perspectives and Research*, 10(1), 79-100
- Chevalier, A. (2003). Measuring over-education. *Economica*, 70(279), 509-531
- Cyranoski, D., Gilbert, N., Ledford, H., Nayar, A., & Yahia, M. (2011). Education: The PhD factory. *Nature*, 472(7343), 276-280
- Dartoomi, A., Salimifar, M. and Malekosadati, S. S. (2017). Mismatch between education and work in Iran's labor market. *Regional Economy and Development*, 24(13), 68-94. [In Persian]
- Dinning, T. (2019). Articulating entrepreneurial competencies in the undergraduate curricular. *Education+ Training*, 61(4), 432-444
- Djubaedi, D., Rohadi, T., & Kodama, Y. (2023). Core entrepreneurial competencies for local content curriculum. *International Journal of Educational Qualitative Quantitative Research*, 2(1), 12-17
- Elamin, O. A. (2023). Overeducation wage penalty for university graduates: evidence from the MENA region using machine learning techniques. *Middle East Development Journal*, 1-38
- García-Cabrera, A. M., Martín-Santana, J. D., de la Cruz Déniz-Déniz, M., Suárez-Ortega, S. M., García-Soto, M. G., & Melián-Alzola, L. (2023). The relevance of entrepreneurial competences from a faculty and students' perspective: The role of consensus for the achievement of competences. *The International Journal of Management Education*, 21(2), 100774
- Gosper, M., & Ifenthaler, D. (2014). *Curriculum models for the 21st century*. Springer
- Habets, O., Stoffers, J., Heijden, B. V. D., & Peters, P. (2020). Am I fit for tomorrow's labor market? The effect of graduates' skills development during higher education for the 21st Century's labor market. *Sustainability*, 12(18), 7746

- Hennemann, S., & Liefner, I. (2010). Employability of German geography graduates: The mismatch between knowledge acquired and competences required. *Journal of Geography in Higher Education*, 34(2), 215-230
- Homan, H. A. (2009). *Structural equation modeling*. Third edition, Tehran: Samt. [In Persian]
- Igwe, P. A., Lock, D., & Rugara, D. G. (2022). What factors determine the development of employability skills in Nigerian higher education? *Innovations in Education and Teaching International*, 59(3), 337-348
- Iqbal, J., Asghar, M. Z., Asghar, A., & Waqar, Y. (2022). Impact of entrepreneurial curriculum on entrepreneurial competencies among students: The mediating role of the campus learning environment in higher education. *Frontiers in Psychology*, 13, 950440
- Iwu, C. G., Opute, P. A., Nchu, R., Eresia-Eke, C., Tengeh, R. K., Jaiyeoba, O., & Aliyu, O. A. (2021). Entrepreneurship education, curriculum and lecturer-competency as antecedents of student entrepreneurial intention. *The International Journal of Management Education*, 19(1), 100295
- Joensuu-Salo, S., Viljamaa, A., & Varamäki, E. (2022). Testing the EntreComp framework and its relation to start-up behaviour in seven European countries. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 29(6), 920-939
- Klain, F. (1990). Using a research model as a guide to the curriculum process. Translated by Mahmoud Mehr Mohammadi. *Education Quarterly*, 6(21), 19-31. [In Persian]
- Klein, M. F. (1985). Curriculum design. international encyclopedia of education: Curriculum studies. Volume II. Husen, T. and Postlethwaite editors
- Kohnová, L., Papula, J., Papulová, Z., Stachová, K., & Stacho, Z. (2020). Job mismatch: The phenomenon of overskilled employees as a result of poor managerial competences. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 8(1), 83
- Kucel, A., & Vilalta-Buñi, M. (2019). University program characteristics and education-job mismatch. *The BE Journal of Economic Analysis & Policy*, 19(4), 20190083
- Kucel, A., Róbert, P., Buil, M., & Masferrer, N. (2016). Entrepreneurial skills and education-job matching of higher education graduates. *European Journal of Education*, 51(1), 73-89
- Mahuteau, S., K. Mavromaras, P. Sloane & Z. Wei (2015). Horizontal and vertical educational mismatch and wages. *NILS working papers*, 216
- Malekipour, A., Hakimzadeh, R., Dehghani, M., & Zali, M. R. (2017). Content analysis of curriculum syllabus for the educational technology discipline based on entrepreneurial competencies. *Interdisciplinary Journal of Virtual Learning in Medical Sciences*, 8(4)
- Malekipour, A., Hakimzadeh, R., Dehghani, M., & Zali, M. R. (2018). Analysis of entrepreneurial competency training in the curriculum of bachelor of physical education in universities in Iran. *Cogent Education*, 5(1), 1462423
- Moemeke, C. D. (2013). Innovating science education for technical entrepreneurship: The curriculum dimension. *Business & Entrepreneurship Journal*, 2(2), 39-46
- Mohammad Shafi, M., Neistani, M. Z., Mirshah-Jaafari, S. A., and Taqvai, v. (2020). Evaluation of curriculum quality in skill training; Case study: Shariati Technical and Vocational College of Architecture, Tehran. *New Educational Approaches*, 15(1), 79-102. [In Persian]
- Momeni Mahmoudi, H., Kazempour, A., and Tafreshi, M. (2011). curriculum planning based on competence; A favorable strategy for developing basic competencies. *Education Strategies in Medical Sciences*, 4(3):143-149. [In Persian]
- Nisha, S. M., & Rajasekaran, V. (2018). Employability skills: A review. *IUP Journal of Soft Skills*, 12(1), 29-37
- O'Dwyer, L., & White, I. (2019). The dynamics of qualifications: Implications for VET. Research

Report. *National Centre for Vocational Education Research (NCVER)*

- Olori, G. I., & Olori, C. N. (2018). Strategies and challenges for empowering youth through technical vocational education and training programme in rivers stat: Benchmark journals. *African Journal of Educational Assessors*, 6(1), 121-131
- Oreopoulos, P., Von Wachter, T., & Heisz, A. (2012). The short-and long-term career effects of graduating in a recession. *American Economic Journal: Applied Economics*, 4(1), 1-29
- Oyer, P. (2006). *The macro-foundations of microeconomics: Initial labor market conditions and long-term outcomes for economists*. Report, National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA
- Park, K. (2018). Vertical and horizontal mismatches and career mobility: evidence from female college graduates. *Asian-Pacific Economic Literature*, 32(2), 109-125
- Parvin, A. and Nazarzadeh Zare, M. (2023). A reflection on the challenges of directing academic research towards playing a role in solving problems and meeting the needs of the country. *Knowledge retrieval and semantic systems quarterly*. [In Persian]
- Perry, J. L., Hondeghem, A., & Wise, L. R. (2010). Revisiting the motivational bases of public service: Twenty years of research and an agenda for the future. *Public Administration Review*, 70(5), 681–690
- Pitan, O. S., & Adedeji, S. O. (2012). Skills Mismatch among University Graduates in the Nigeria Labor Market. *Online Submission*
- Pompei, F., & Selezneva, E. (2021). Unemployment and education mismatch in the EU before and after the financial crisis. *Journal of Policy Modeling*, 43(2), 448-473
- Ranta, L., Sievers, A., & Guillard, A. (2017). Shared responsibility of higher education institutes (HEI) and their partners in assuring nursingstudents employability skills. *In ICERI2017 Proceedings* (pp. 1247-1255). IATED
- Rebollo, F. V., & Ivars Baidal, J. A. (2004). Sustainability indicators in Spanish tourism. *Plicy, University of Alicante*
- Rudakov, V., Figueiredo, H., Teixeira, P., & Roshchin, S. (2019). The impact of horizontal job-education mismatches on the earnings of recent university graduates in Russia
- Sauermann, H., & Roach, M. (2016). Why pursue the postdoc path? *Science*, 352(6286), 663-664
- Shakuri, A. and Bahadori, M. (2019). Challenges of employees with jobs unrelated to their field of study. *Iranian Social Issues Review*, 10(2), 221-244. [In Persian]
- Shirjang, A., Alizadeh, M., Mortazavi, F., Asghari Jafarabadi, M., and Jedi, A. (2012). Adaptation of the public health bachelor's curriculum with the job needs and expected tasks of the health system: the opinion of experts in this field about the topics and content of the courses. *Iranian Journal of Education in Medical Sciences*, 12 (10):768-777. [In Persian]
- Sokhtanlu, M. (2016). Analyzing the effectiveness of the agricultural higher education system on the development of entrepreneurial skills from the point of view of agricultural graduate students (case study: Mohaghegh Ardabili University). *Entrepreneurship strategies in agriculture*, 3(6), 34-43. [In Persian]
- Somers, M. A., Cabus, S. J., Groot, W., & van den Brink, H. M. (2019). Horizontal mismatch between employment and field of education: Evidence from a systematic literature review. *Journal of Economic Surveys*, 33(2), 567-603
- Steijn, B. (2008). Person-environment fit and public service motivation. *International Public Management Journal*, 11(1), 13–27
- Stephan, P. (2012). *How economics shapes science*. Harvard University Press
- Stern, S. (2004). Do scientists pay to be scientists? *Management science*, 50(6), 835-853

- Stevens, K. (2008). Adverse economic conditions at labour market entry: Permanent scars or rapid catch-up. *University of Sydney*
- Taneja, G., & Bala, A. (2023). Do the e-commerce and digital marketing curriculum of Indian B-schools embrace employability skills?. *World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 19(3-5), 178-194
- Turkzadeh, J., Marzooqi, R. A., Mohammadi, M., Salmi, Q., and Keshavarzi, F. (2016). Elaboration of evaluation framework of higher education curricula based on strategic approach. *Journal of Planning Research*, 6 (12), 41-64. [In Persian]
- Venasaar, U., Antonelli, G., Dorożyński, T., Duarte, H., Kallaste, M., Riviezzo, A. & Santos, S. C. (2021). Understanding the needs for the development of entrepreneurship competencies in universities: A comparative analysis between students and employees
- Verhaest, D., Sellami, S. and Velden, R.V.D. (2015), "Differences in horizontal and vertical mismatches across countries and fields of study". *International Labour Review*, Vol. 156 No. 1, pp. 1-23
- Wang, J., & Mangmeechai, A. (2022). Impact of entrepreneurship knowledge literacy curriculum on college graduates' sustainable entrepreneurial competence based on entrepreneurial learning theory. *International Journal of Sustainable Development & Planning*, 17(4)
- Wardani, L. M. I., Sekarini, D. A., Syaputra, R. D., Kartikawati, M. S., Dawanti, R., Mulia, D. D. A., & Malek, M. D. A. (2021). Career of horizontal education mismatch workers: Career competency, job crafting, and work engagement. *Journal of Education and Learning (EduLearn)*, 15(3), 414-424
- Warren, D. E. (2003). Constructive and destructive deviance in organizations. *Academy of Management Review*, 28(4), 622-632
- Wright, B. E., & Pandey, S. K. (2008). Public service motivation and the assumption of person-organization fit: Testing the mediating effect of value congruence. *Administration & Society*, 40(5), 502-521
- Yao, Y. (2019). Does higher education expansion enhance productivity? *Journal of Macroeconomics*, 59, 169-194
- Zimmer, W. K., & Keiper, P. (2021). Redesigning curriculum at the higher education level: challenges and successes within a sport management program. *Educational Action Research*, 29(2), 276-291